

دوره الهیات مسیحی

درس ۴۶

بررسی دیدگاه های پس-هزاره و ناهزاره ای (نجات شناسی ۸)

این درس هفتمین قسمت از مبحث آخرت شناسی، تحت عنوان بررسی دو دیدگاه پس-هزاره ای و ناهزاره ای، از مجموعه دروس الهیات مسیحی است.

در جلسه گذشته دیدگاه های پیش-هزاره و مصیبت شناسی رو مورد بررسی قرار دادیم، و امروز به مطالعه دو دیدگاه دیگر آخرت شناسی خواهیم پرداخت که در دوبرخ انجام خواهد شد.

در بخش اول دیدگاه پس-هزاره ای و در بخش دوم دیدگاه ناهزاره ای را مطالعه خواهیم کرد.

پس ابتدا به بررسی دیدگاه پس-هزاره ای می پردازیم.

بخش اول: دیدگاه پس-هزاره ای (Postmillennialism)

در مبحث آخرت شناسی مسیحی، اختلاف نظرهای دیدگاه های پیش، پس و ناهزاره ای، همانطور که از نامشان پیداست، در نحوه تفسیر موضوع حاکمیت هزارساله مسیح در مکاشفه ۲۰ می باشد.

همانطور که قبلاً اشاره شد، تفاوت فاحش دیدگاه پس-هزاره ای با پیش-هزاره ای، در تفسیر سمبلیک آیات کتاب مکاشفه می باشد. بطوریکه نگاه پس-هزاره باوران بر رویاها، نمادها و تشبیهات کتاب مکاشفه یوحنا کاملاً متفاوت از نگرش تحت الفظی پیش-هزاره باوران، بخصوص در رابطه با مکاشفه ۲۰ می باشد.

انیستیتوی مسیحی ICE، کتاب آقای دکتر Kenneth Gentry تحت عنوان He Shall Have Dominion یا او باید حاکمیت داشته باشد، را در سال ۱۹۹۲ میلادی بعنوان مرجع دیدگاه پس-هزاره ای، بچاپ رساند.

آقای Gentry در رابطه با دیدگاه پس-هزاره باوران می گوید، از آنجائیکه موضوع حاکمیت یا سلطنت هزار ساله مسیح فقط در یک بخش از کلام خدا و آن هم در کتاب مکاشفه یوحنا که جنبه سمبلیک دارد، اشاره شده، باید آنرا بطور نمادین در نظر گرفت.

بنابراین، پس-هزاره باوران باب ۲۰ کتاب مکاشفه یوحنا را بر مبنای سبک نگارش آن، مفهوم استعاره ای عدد ۱۰۰۰ و با در نظر گرفتن بافت موضوعی متن، تفسیر می کنند.

از این جهت، برای درک ساده تر دیدگاه پس-هزاره ای از مکاشفه ۲۰، مناسب آن است که ابتدا به تفسیر و تعبیر آنها از نکات و نمادهای کلیدی و روند وقایع کتاب مکاشفه نگاهی بیاندازیم.

پس توجه شما را به نکات کلیدی کتاب مکاشفه از دیدگاه پس-هزاره ای جلب می کنم.

بررسی نکات کلیدی مکاشفه یوحنا

مخاطبین و هدف نویسنده (داوری خدا بر یهودیان)

اولین نکته کلیدی ای که به آن میپردازیم مخاطب و هدف کتاب مکاشفه یوحناست. آقای دکتر Kenneth Gentry می گوید که، برای درک بهتر کتاب مکاشفه یوحنا باید ابتدا مخاطب و هدف نویسنده را از نوشتن این کتاب در نظر بگیریم، و بهمین منظور به مکاشفه ۱:۱، ۳، ۴ و ۹ اشاره می کند.

مکاشفه ۱:۱، ۳، ۴ و ۹ مکاشفه عیسی مسیح، که خدا به او داد تا اموری را که می باید زود واقع شود؛ بر غلامان خود ظاهر سازد و به وسیله فرشته خود فرستاده، آن را ظاهر نمود بر غلام خود یوحنا: . . . خوشایحال کسی که می خواند و آنانی که می شنوند کلام این نبوت را، و آنچه در این مکتوب است نگاه می دارند، چونکه وقت نزدیک است. . . . یوحنا، به هفت کلیسایی که در آسیا هستند: فیض و سلامتی بر شما باد: از او که هست و بود و می آید؛ و از هفت روح که پیش تخت وی هستند؛ . . . من یوحنا، که برادر شما و شریک در مصیبت و ملکوت و صبر در عیسی مسیح هستم، بجهت کلام خدا و شهادت عیسی مسیح در جزیره ای مسمی به پطُمس شدم. (ترجمه کلاسیک)

آقای Gentry می گوید، از این آیات در می یابیم که مخاطبین مکاشفه یوحنا، هفت کلیسای تحت جفای آن زمان می باشند، در نتیجه، هدف از نگارش این کتاب، این است که مخاطبینش را از مجازاتی که قرار بود بزودی از طرف خدا بر جفا کنندگانیشان رُخ دهد مطلع سازد تا از این طریق آنها را تشویق به استقامت و پایداری نماید.

با در نظر گرفتن مخاطب و هدف نویسنده، پس-هزاره باوران معتقدند مکاشفه ۷:۱، نه به بازگشت ثانوی مسیح بلکه به داوری خدا بر یهودیان در سال ۷۰ میلادی مربوط می شود.

مکاشفه ۷:۱ اینک، با ابرها می آید؛ و هر چشمی او را خواهد دید، و آنانی که او را نیزه زدند، و تمامی امت های جهان برای وی خواهند نالید. بلی! آمین. (ترجمه قدیم)

دکتر Gentry مفسر پس-هزاره ای، به چهار دلیل این آیه را به داوری خدا بر یهودیان در سال ۷۰ میلادی توسط ارتش روم، مربوط می داند.

دلایل فوق از این قرارند:

(۱) محتوای متنی که این آیه در آن قرار دارد، (Context)

(۲) هدف اصلی کتاب مکاشفه

(۳) سبک سمبلیک این آیه (مکاشفه ۷:۱)

(۴) آموزه های مسیح و اشاره تلویحی این آیه (مکاشفه ۷:۱) به یهودیان

حال به استدلال پس-هزاره باوران مبنی بر اینکه چرا مکاشفه ۷:۱ مربوط به داوری خدا و نه بازگشت ثانوی مسیح می باشد بر مبنای این چهار دلیل می پردازیم.

منتهی، با توجه به محدودیت زمانی این درس، فقط نگاه اجمالی ای بر تفاسیر آنان خواهیم داشت و از بکارگیری استدلال های پیچیده خودداری می کنیم.

دکتر Gentry بر این باور است که نویسنده مکاشفه قصد دارد تا با استفاده از نمادهای سمبلیک، استعاره و تشبیهاتی از قبیل، آمدن با ابرها، دیدن هر چشمی، آنانی که او را نیزه زده اند، تمامی امتهای جهان و نالیدن، که در یوحنا ۷:۱ بکار گرفته شده، به مخاطبینش، هشدار دهد، که خدا بزودی یهودیان را بخاطر

مصلوب کردن مسیح مجازات سخت خواهد کرد. آقای Gentry اضافه می کند که در رابطه با امور آخرت، استفاده از این گونه اصطلاحات در کلام خدا به وفور دیده می شود.

بعنوان مثال، اشاره به "شخصی که با ابرها می آید" در مکاشفه ۷:۱، داوری خدا را به گونه ای بیان کرده که انگار خدا، خود شخصاً دست بکار می شود و برای تنبیه مردم از آسمان نزول می کند.

اصطلاح آمدن بر ابرها را می توانیم در عهدعتیق نیز مشاهده کنیم. مثلاً نبوتی از داوری الهی بخاطر گناهان مردم اسرائیل و یهودا در میکاه ۳:۱-۴ که می فرماید.

میکاه ۳:۱-۴ اینک خداوند تخت فرمانروایی خود را در آسمان ترک نموده و از فراز کوهها به زمین می آید. کوهها در زیر پاهایش مثل موم آب می شوند و مانند سیل از بلندیها به دره سرازیر می گردند.

آقای Gentry در تفسیر این آیه می گوید که در اینجا خدا می خواهد توجه مخاطبین را به این نکته جلب کند که اگر می بینید کشور قدرتمندی مثل بابلیها به شما حمله ور شده، این وقایع را مثل افراد بی دین و بی ایمان نگاه نکنید، چون این رُخدادها توسط خدا برای تنبیه (داوری) شما بخاطر گناهانتان می باشند.

آیه دیگری که پس-هزاره باوران برای تفسیر این تشبیهات استفاده می کنند، اشعیا ۱۹:۱ می باشد.

اشعیا ۱۹:۱ خداوند بر ابری تندرو سوار شده و به جنگ مصر می آید. بتهای مصر در برابر او می لرزند و دل مصریها از ترس ضعف می کند. (ترجمه تفسیری)

آقای Gentry در رابطه با این آیه می گوید: در هیچ کتاب تاریخی نوشته نشده که در سال ۶۷۲ ق.م. هنگامیکه اسرحدون Esarhaddon (Aššur-ahū-iddin, Ασραδδων) فرمانروای آشور (کوچکترین پسر سنخاریب) به هنگام تسخیر مصر، گفته باشند که خداوند را سوار بر ابری تندرو مشاهده کردند که به جنگ با مصر نزول می کرد.

واژه دیگری که آقای Gentry در مکاشفه ۷:۱ به آن می پردازد، عبارت یونانی "نالیدن ملت‌های جهان" می باشد که آن را به "گریه و زاری ۱۲ قوم یهود" تفسیر می کند، Gentry معتقد است که عبارت "ملت‌های جهان را"، قوم های آن سرزمین نیز می توان ترجمه کرد. استدلال ایشان بر این مبناست:

هنگامیکه داوری خدا در سال ۷۰ میلادی به انجام رسید، ۱۲ قبیله ساکن در سرزمین اسرائیل نالیدند. آقای Gentry می گوید، عیسی مسیح در جاهای دیگر نیز به داوری قوم اسرائیل اشاره کرده است. اگر چه رومیان بودند که به مسیح نیزه زدند، اما فتنه یهودیان عامل مصلوب شدن و نیزه زدن به مسیح بود. و آنها بودند که نزد قیصر روم، فریاد زدند مصلوبش کن، مصلوبش کن، پادشاه ما قیصر است.

بعنوان نمونه:

متی ۲۵:۲۷ تمام قوم (یهود) در جواب گفتند، خون او بر ما و فرزندان ما باد! (ترجمه قدیم)

اعمال ۲۳:۲ آن مرد بنابر مشیت و پیشدانی خدا به شما تسلیم کرده شد و شما به دست بی‌دینان بر صلیبش کشیده، کشتید. (ترجمه مژده)

اعمال ۳۰:۵ خدای پدران ما، همان عیسی را که شما بر صلیب کشیده، کشتید، از مردگان برخیزانید. (ترجمه مژده)

این مطلب در اعمال ۱۳:۳-۱۵، ۲۷:۵، ۳۹:۱۰، اول تسالونیکیان ۲:۱۴-۱۶ نیز تأیید می شود.

علاوه بر مخاطبین و هدف نویسنده کتاب مکاشفه نکته کلیدی دیگر، تعیین هویت دو موجود خبیث و وقایع مربوط به آنهاست.

شناسایی دو موجود خبیث

مکاشفه ۱:۱۳ در اشاره به اولین موجود خبیث چنین می گوید.

مکاشفه ۱:۱۳ در این هنگام جانور عجیبی را در رویا دیدم که از دریا بالا می آمد. این جانور هفت سر داشت و ده شاخ. روی هر شاخ او یک تاج بود و روی هر سر او نام کفرآمیزی نوشته شده بود. (ترجمه تفسیری)

مکاشفه ۵-۳:۱۷ به دومین موجود خبیث، چنین اشاره دارد.

مکاشفه ۵-۳:۱۷ پس مرا در روح به بیابان برد و زنی را دیدم بر وحش قرمزی سوار شده که از نامهای کفر پر بود و هفت سر و ده شاخ داشت و آن زن، به ارغوانی و قرمز ملبّس بود و به طلا و جواهر و مروارید مزین و پیاله‌ای زرین به دست خود پر از خبائث و نجاسات زنای خود داشت. و بر پیشانی اش این اسم مرقوم بود، سرّ و بابل عظیم و مادر فواحش و خبائث دنیا.

آقای Gentry اولین موجود خبیثی که وحش نامیده شده را به امپراطوری روم نسبت می دهد و دومین شخص خبیث یعنی فاحشه بزرگی که بر وحش نشسته است را شهر اورشلیم می داند.

پس-هزاره باوران در تفسیر این بخش به یوحنا ۱۵:۱۹ رجوع می کنند که می فرماید:

یوحنا ۱۵:۱۹ ایشان فریاد زدند، او را بر دار، بر دار! صلیبش کن! پیلطس به ایشان گفت، آیا پادشاه شما را مصلوب کنم؟ روسای کهنه جواب دادند که غیر از قیصر پادشاهی نداریم!

آقای Gengry می گویند، همانطور که در این آیه و آیات نظیر این مشهود است، روسای یهود با تکیه بر امپراطوری روم مسیح را به صلیب کشیدند، ایشان نتیجه می گیرد که نشستن فاحشه بر وحش به مفهوم، اتکای روسای یهود بر حاکمیت روم برای مصلوب نمودن عیسی مسیح می باشد.

پس-هزاره باوران بر مبنای مکاشفه باب ۱۸ معتقدند که بابل فاحشه بزرگ همان شهر اورشلیم می باشد که به خون انبیا، مسیح و شهیدان مسیحی آغشته شده است. همچنین می گویند که رنگ فاحشه و لباس او نیز بطور سمبلیک به لباس کاهن اعظم و تزئینات معبد یهود که در خروج ۵:۲۸-۶ آمده است، اشاره دارد.

نکته کلیدی دیگری که در تفسیر مکاشفه ۲۰ بما کمک می کند درک مفهوم تشبیه ازدواج و ارتباط آن با رابطه خدا با قومش می باشد.

تشبیه ازدواج در رابطه خدا با قومش

آقای Gentry می گوید یکی از تشبیهات زیبایی که در کتاب مقدس در تشریح رابطه خدا با قومش شده، رابطه زناشویی می باشد.

بعنوان مثال:

اشعیا ۵:۵۴ آفریننده تو که نامش خداوند قادر متعال است، شوهر تو خواهد بود. (ترجمه تفسیری)

ارمیا ۱۴:۳ ... من (یهوه) شوهر شما (قوم یهود) هستم ... (ترجمه کلاسیک)

ارمیا ۳۱:۳۳-۳۲ خداوند می‌فرماید: «روزی می‌آید که با اهالی اسرائیل و یهودا عهدی تازه خواهم بست. این عهد مانند عهد پیشین نخواهد بود عهدی که با پدران آنها به هنگام بیرون آوردنشان از سرزمین مصر بستم. چون ایشان آن عهد را اجرا نکردند و آن را شکستند با اینکه من همچون شوهری دلسوز از آنها مراقبت و محافظت می‌نمودم. (ترجمه تفسیری)

خداوند در ارمیا باب ۳ تماماً بطور تشبیهی به شرح خیانت همسرش یعنی قوم اسرائیل می‌پردازد و در ارمیا ۷:۵ نیز در این رابطه چنین می‌گوید.

ارمیا ۷:۵ خداوند می‌گوید: «دیگر چگونه می‌توانم شما را ببخشم؟ چون حتی فرزندانان مرا ترک گفته‌اند و آنچه را که خدا نیست می‌پرستند. من خوراک به آنها دادم تا سیر بشوند، ولی بجای تشکر، غرق زناکاری شدند و وقت خود را با فاحشه‌ها تلف کردند. (ترجمه تفسیری)

خدا از طریق انبیای دیگرش نیز به خیانت اسرائیل اشاره دارد.

حزقیال ۳۷:۲۳ ایشان (قوم یهود) مرتکب زنا و قتل شدند، بت‌پرستی کردند، و پسرانی را که برای من زاییده بودند بر قربانگاه‌های خود قربانی کرده، سوزاندند. (ترجمه تفسیری)

لحن خدا در هوشع ۲:۲ بسیار غم‌انگیز و دردناک است.

هوشع ۲:۲ مادرت را توبیخ کن، زیرا زن مرد دیگری شده است و من دیگر شوهر او نیستم. از او بخواه تا از فاحشگی دست بردارد و دیگر خودفروشی نکند؛ (ترجمه تفسیری)

آقای Gentry، طوماری که در مکاشفه بابهای ۵، ۶ و ۸، دارای هفت مهر می‌باشد را طلاق نامه اسرائیل می‌داند و در این رابطه به آیاتی از عهدعتیق اشاره می‌کند که از این قبیلند:

ارمیا ۳:۸ | اینکه یهودا دید که من اسرائیل بی‌وفا را طلاق داده‌ام، نترسید و اینک او نیز مرا ترک کرده، تن به روسپی‌گری داده و بسوی بت‌پرستی رفته است.

لاویان ۱۸:۲۶ اگر باز هم مرا اطاعت نکنید، هفت بار شدیدتر از پیش، شما را بخاطر گناهانتان مجازات خواهم کرد.

نکته کلیدی دیگری که پس-هزاره باوران در نظر می‌گیرند، تعیین هویت دو زن در مکاشفه یوحنا می‌باشد.

عروس مسیح / اورشلیم سماوی

پس-هزاره باوران در مکاشفه یوحنا تصویر دو زن را بطور سمبلیک می‌بینند که در مقابل هم قرار دارند. هویت اولین زن یعنی فاحشه بزرگ، اورشلیم زمینی که نمادی از قوم یهود است می‌باشد و هویت دومین زن، عروس مسیح یا کلیسا، یعنی اورشلیم آسمانی که نمادی از مسیحیان می‌باشد.

آقای Gentry می‌گوید که مکاشفه یوحنا در رابطه با توصیف دومین زن که همانا عروس مسیح می‌باشد، از الفاظ شاعرانه و ستودنی استفاده کرده، تا شکوه نجات را به تصویر بکشد.

این تصاویر از این قرارند.

- نبود دریا در مکاشفه ۱:۲۱ تصویری از هماهنگی و آرامش است.

- انبیا در عهدعتیق غالباً از تلاطم دریا بعنوان تصویری از اختلافات و مشکلات استفاده می کردند. در صورتیکه در مسیحیت، نشانی از چنین دریای متلاطمی نیست. چنانکه رومیان ۱:۵ می گوید ما مسیحیان با خدا آرامش داریم.
 - عدم نیاز حضور معبد یا هیکل در مکاشفه ۲۲:۲۱ تصویری تلویحی از مسیحیان، که در عهدجدید عروس مسیح خوانده شده اند، است. کلام خدا در آیاتی چون افسسیان ۲:۱۹-۲۰، اول قرنتیان ۳:۱۶ و ۱۵:۶ و دوم قرنتیان ۶:۱۶، اول پطرس ۲:۹۵ می فرماید که ما مسیحیان هیکل خدا هستیم چون مسیح در ما زندگی می کند.
 - عدم مرگ و ناله در مکاشفه ۴:۲۱ و: عبارت "پاک کردن هر اشکی از چشمان مقدسین" تصویری از پیروزی بر مرگ روحانی و یافتن حیات جاودانی است که در یوحنا ۵:۶۰ نیز به آن اشاره شده است.
 - مکاشفه ۷:۲۱ تصویری از خانواده الهی است که در اول یوحنا ۱:۳ نیز به آن اشاره دارد.
 - مکاشفه ۱۱:۲۱ به جواهرات عروس اشاره می کند که تصویری از جلال خدا در کلیسا بعنوان عروس مسیح می باشد که نورش مانند جواهر گرانبها و چون یشم، بلورین است. (ترجمه قدیم)
 - فنداسیون و دیوارهای محکم در مکاشفه ۱۲:۲۱-۱۴ نیز تصاویر تشبیهی دیگری از اورشلیم جدید یا عروس مسیح می باشند.
- آقای Gentry این تصاویر تشبیهی و توصیفات را تماماً منطبق بر سایر آیات عهدجدید می داند. به همین جهت، بر این باور است که حاکمیت ۱۰۰۰ ساله مسیح همان ملکوت خدا یا ملکوت مسیح در دوره عهدجدید یا عصر کلیسا است.
- علاوه بر نمادهای سمبلیک و نقش آنها در عناصر کلیدی کتاب مکاشفه، نکته دیگری که در درک مفهوم مکاشفه ۲۰ از دیدگاه پس-هزاره باوران بما کمک می کند در نظر گرفتن ترتیب موضوعی بابهای مکاشفه می باشد.
- پس در اینجا بطور اجمالی به مطالعه روند موضوعی بابهای مکاشفه از دیدگاه پس-هزاره باوران می پردازیم.

ترتیب موضوعی بابهای مکاشفه

- در باب چهارم، خدا بر تخت حاکمیت خود نشسته است.
- در مکاشفه باب پنج، خدا طلاق نامه اسرائیل را صادر می کند و
- در مکاشفه باب شش بر علیه فاحشه بزرگ داوری اش را اعلام می نماید.
- بابهای ۶ الی ۱۹ کتاب مکاشفه به شرح مجازات هایی که توسط خدا انجام شد، می پردازد.
- بطوریکه در مکاشفه ۱۹:۱۶ و ۲۱ چنین می خوانیم.

مکاشفه ۱۹:۱۶ و ۲۱ شهر بزرگ بابل نیز سه قسمت گردید و سایر شهرهای دنیا هم به صورت توده های پاره سنگ درآمدند. به این ترتیب، خدا از گناهان بابل چشم پوشی نکرد، بلکه جام غضب خود را تا آخرین قطره، به او نوشانید؛ ... تگرگ وحشتناکی بر سر مردم بارید، تگرگی که هر دانه آن پنجاه کیلو بود! و مردم برای این بلای وحشتناک به خدا کفر و ناسزا گفتند. (ترجمه تفسیری)

نکته جالبی که پس-هزاره باوران در تفسیر این آیات در نظر می گیرند، این است که تگرگهای سفید اشاره شده در این آیات را تشبیهی از سنگهای سفیدی که رومیان با منجنیق برای خرابی معبد اورشلیم بکار بردن، می دانند.

مکاشفه ۱۹ الی ۲۱ به عروسی بره می پردازد، که تشبیهی از وصال کلیسا (عروس مسیح) با عیسی مسیح (داماد آسمانی) می باشد، در مکاشفه ۲:۲۱ چنین می خوانیم.

مکاشفه ۲:۲۱ و من، یوحنا، شهر مقدس اورشلیم را دیدم که از آسمان از جانب خدا پایین می آمد. چه منظره باشکوهی بود! شهر اورشلیم به زیبایی یک عروس بود که خود را برای ملاقات داماد آماده کرده باشد!

همانطور که قبلاً هم اشاره شد آقای Gentry اورشلیم آسمانی را در این آیه، سمبل مسیحیت می داند که می آید تا جایگزین یهودیتی که با پشت کردن به خدا زناکار شده، بشود.

ایشان در این رابطه به آیاتی از این قبیل اشاره دارند.

غلاطیان ۲۶-۲۵:۴ هاجر نماینده کوه سینا در عربستان و برابر با اورشلیم کنونی است که خود و فرزندان در بندگی گرفتارند. اما اورشلیم آسمانی آزاد و مادر همه ماست. (ترجمه تفسیری)

عبرانیان ۲۲-۲۳:۱۲ اما سروکار شما با این امور نیست؛ شما به چنین کوهی نزدیک نشده اید، بلکه مستقیماً به کوه صهیون و به شهر خدای زنده یعنی اورشلیم آسمانی آمده اید. شما وارد محفل شاد گروه بیشمار از فرشتگان شده اید. شما به کلیسایی قدم گذاشته اید که نام اعضای آن، در آسمان ثبت شده است. شما به حضور خدایی آمده اید که داور همه است؛ به روحهای نجات یافتگانی نزدیک شده اید که در آسمان به مرحله کمال رسیده اند. (ترجمه تفسیری)

حال با درک نگرش پس-هزاره باوران از نمادها و ترتیب وقایع در کتاب مکاشفه، راحت تر می توانیم به تفسیر آنان بر مکاشفه ۲۰ که در آن به حاکمیت ۱۰۰۰ ساله مسیح اشاره دارد، بپردازیم.

پس ادامه مطلب را از مکاشفه باب ۲۰، که مرجع اصلی دیدگاه های متفاوت آخرت شناسی است، پی میگیریم و خواهیم دید که چگونه پس-هزاره باوران موضوع حاکمیت ۱۰۰۰ ساله مسیح و مطالب این بخش را با سایر نمادهایی که بررسی کردیم مرتبط می دانند و تفسیر و تعبیر می کنند.

برای این منظور، ابتدا به تعریف واژه های کلیدی در این بخش، می پردازیم.

اولین واژه کلیدی در مکاشفه ۲۰، حاکمیت ۱۰۰۰ ساله مسیح می باشد.

حاکمیت ۱۰۰۰ ساله مسیح

در اینجا باید یادآور شد که یوحنا رسول در ابتدای کتاب مکاشفه می گوید که این وقایع بزودی به انجام خواهند رسید.

کلام خدا در این رابطه می فرماید:

مکاشفه ۶:۲۲ و مرا گفت، این کلام امین و راست است و خداوند خدای ارواح انبیا، فرشته خود را فرستاد تا به بندگان خود آنچه را که زود می باید واقع شود، نشان دهد.

مکاشفه ۱۰:۲۲ و مرا گفت، کلام نبوت این کتاب را مهر مکن زیرا که وقت نزدیک است.

حال سوالی که پیش می آید این است که حاکمیت ۱۰۰۰ ساله مسیح چطور در این فاصله زمانی کوتاه به وقوع می پیوندد؟

پس-هزاره باوران در پاسخ می گویند، خدا از بابها ۱ الی ۱۹ کتاب مکاشفه در رابطه با مجازات هایی که قرار است بزودی برای قوم اسرائیل به وقوع پیوندند سخن گفته، در حالیکه در مکاشفه ۲۰ کلام خدا نگاهی به وقایع دورتری در آینده می اندازد تا نتایج همه این مجازات ها را به مخاطبینش اعلام کند.

با در نظر گرفتن این مطلب، پیروان پس-هزاره ای معتقدند که خدا وعده می دهد که بزودی، حاکمیت ۱۰۰۰ ساله مسیح یا عصر کلیسا آغاز می شود.

با توجه به این موضوع، باید توجه داشت که در کتاب مقدس، عدد سمبلیک ۱۰۰۰ با مفاهیمی از جمله بیشمار، دست نیافتنی و کامل، بکار گرفته شده است.

بعنوان مثال:

در آیاتی چون، تثنیه ۱۱:۱، مزمور ۱۰:۵۰، مزمور ۱۰:۸۴ و خروج ۶:۲۰، عدد ۱۰۰۰، نه به مفهوم تحت الفظی بلکه بطور استعاره ای به مفهوم بیشمار می باشد.
مثلاً:

خروج ۶:۲۰ تا هزار پشت بر آنانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه دارند، رحمت می کنم.
(ترجمه کلاسیک)

قطعاً منظور خداوند از این آیه این نیست که او فقط تا نسل هزارم رحمت خواهد کرد و رحمت خود را از نسل هزار و یکم به بعد قطع خواهد کرد.

حال بیائید به بررسی واژه های کلیدی که مربوط به وقایع حاکمیت ۱۰۰۰ ساله مسیح می باشند، از دیدگاه پس-هزاره ای، بپردازیم.

بررسی واژه های مربوط به وقایع حاکمیت ۱۰۰۰ ساله مسیح

اولین واژه کلیدی مربوط به وقایع حاکمیت هزار ساله مسیح در مکاشفه ۲۰ عبارت "به زنجیر کشیده شدن شیطان"، می باشد.

کلام خدا در این رابطه چنین می فرماید:

مکاشفه ۱:۳-۲۰ و دیدم فرشته ای از آسمان فرود می آید، و کلید هاویه با اوست، و زنجیری بزرگ در دست دارد. او اژدها را، آن مار کهن را، که همانا ابلیس یا شیطان است، گرفت و در بند کشید تا هزار سال در اسارت بماند و او را به هاویه درانداخت و در بر او قفل کرد و مهر بر آن نهاد تا قومها را دیگر نفریبد تا آن هزاره سر آید.

پس-هزاره باوران، در رابطه با زنجیر شدن شیطان در این دوره، می گویند، بخاطر کاری که عیسی مسیح بر روی صلیب انجام داد، شیطان در بند کشیده شد تا بشارت ملکوت خدا در تمام دنیا انتشار یابد.

استدلال پس-هزاره باوران چنین است که عیسی مسیح در متی ۲۸:۱۲-۲۹ آنچه را که یوحنا در مکاشفه ۱:۲۰-۳ اشاره می کند، عملاً انجام می دهد.

بعبارتی به گفته آنها، مکاشفه ۱:۲۰-۳ و متی ۲۸:۱۲-۲۹ در رابطه با یک مطلب سخن می گویند.

متی ۲۸:۱۲-۲۹ اگر من (عیسی مسیح) به واسطه روح خدا دیوها را بیرون می کنم، یقین بدانید که پادشاهی خدا به شما رسیده است. چگونه کسی بتواند در خانه شخصی زورآور درآید و اسباب او را غارت کند، مگر آنکه اول آن زورآور را ببندد. (ترجمه هزاره نو)

ترجمه تفسیری: اگر من بوسیله روح خدا، ارواح ناپاک را بیرون می کنم، پس بدانید که ملکوت خداوند در میان شما آغاز شده است. کسی نمی تواند حکومت را از چنگ شیطان بیرون بکشد، مگر اینکه نخست او را ببندد.

بنا بر این استدلال پس-هزاره باوران نتیجه می گیرند که زنجیر کردن شیطان همان، در بند کردن او و یا بیرون افکنده شدن او از این جهان، جهت فریب ندادن قومها می باشد و در این رابطه به آیاتی از این قبیل اشاره دارند:

بعنوان مثال، پولس رسول در آیاتی چون کولسیان ۱۴:۲-۱۵ و عبرانیان ۲:۱۴-۱۵ در این رابطه چنین می گوید.

عبرانیان ۲:۱۴-۱۵ از آنجا که این فرزندان خدا، انسان هستند و دارای گوشت و خون می باشند، او (عیسی مسیح) نیز گوشت و خون شد و به شکل انسان درآمد؛ زیرا فقط با انسان شدن می توانست جانش را در راه ما فدا کند و بمیرد، و با مرگ خود، قدرت شیطان را نابود سازد، شیطانی که صاحب اختیار مرگ بود. تنها از این راه بود که می توانست آنانی را که در تمام عمرشان در وحشت مرگ بسر می بردند و اسیر ترس بودند، رهایی بخشد. (ترجمه تفسیری)

بنابراین، به گفته پس-هزاره باوران، در بند بودن شیطان با مرگ و قیام مسیح آغاز شد و در سال ۷۰ میلادی با مجازات یهود که به خاتمه دادن سیستم فاسد مذهبی انجامید، به وقوع پیوست، و در طول تاریخ کلیسا که همان حاکمیت ۱۰۰۰ هزار ساله مسیح است، ادامه دارد.

البته باید توجه داشت که تفسیر پس-هزاره باوران از در بند شدن شیطان به مفهوم نابودی کامل و یا غیرفعال بودن او نیست، بلکه به معنی محدود شدن او می باشد.

۲پطرس ۴:۲ خدا بر فرشتگانی که گناه ورزیدند رحم نکرد، بلکه ایشان را در بند نهاد و در سیاه چالهای تاریک محبوس کرد تا برای داوری نگاه داشته شوند؛ (ترجمه مزده)

علاوه بر به زنجیر کشیدن شیطان، عبارات کلیدی دیگر در حاکمیت هزارساله مسیح، واژه هایی چون کاهنان خدا و قیامت اول در مکاشفه ۶:۲۰، می باشند.

مکاشفه ۶:۲۰ خوشحال و مقدس است کسی که از قیامت اول قسمتی دارد. بر اینها موت ثانی تسلط ندارد بلکه کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و هزار سال با او سلطنت خواهند کرد. (ترجمه کلاسیک)

یوحنا رسول در مکاشفه ۶:۱ نیز به مقام کاهن چنین اشاره نموده است.

مکاشفه ۱:۶ او (مسیح) ما را در ملکوت و سلطنت خود، به مقام کاهن منصوب کرده تا خدا یعنی پدر او را خدمت نماییم. (ترجمه تفسیری)

پس-هزاره باوران از این دو آیه نتیجه می گیرند که مکاشفه ۱ آنچه را که در مکاشفه ۲۰ می گوید تأیید کرده و اضافه می کند که مسیح در حال حاضر، ما مسیحیان را در ملکوتش به مقام کاهن منصوب نموده است.

آنها می گویند که این مطلب را رسولان نیز در رسالاتشان بارها اشاره کرده اند. بعنوان مثال:

اول پطرس ۹:۲ شما مانند آنان نیستید. شما برگزیدگان خدا، و کاهنان پادشاه مان عیسی، و قوم مقدس و خاص خدا می باشید، تا به این ترتیب به دیگران نشان دهید که خدا چگونه شما را از تاریکی به نور عجیب خود دعوت نموده است. (ترجمه مژده)

مکاشفه ۲۰:۵-۶ به دو عبارات کلیدی دیگر از جمله، دو قیامت و دو گروه افراد، این گونه اشاره دارد که:

گروه اول، روح شهیدان و آنهاییکه وحش را پرستش نکردند، از قیامت اول نصیب خواهند داشت (آیه ۴) و گروه دوم گناهکارانی هستند که از قیامت اول بهرمنند نخواهند شد (آیه ۵).

مکاشفه ۲۰:۴-۶ ۴ آنگاه تخت هایی دیدم و کسانی بر آنها نشستند و به ایشان اختیار و قدرت دادرسی داده شد. سپس جانهای کسانی را دیدم که بسبب اعلام پیغام عیسی و کلام خدا سر بریده شدند. همچنین جانهای آنانی را دیدم که جاندار خیبت و مجسمه اش را نپرستیده بودند و علامتش را بر پیشانی و دستهای خود نداشتند. اینان همگی، زندگی را از سر نو آغاز کردند و با مسیح هزار سال سلطنت نمودند. ۵ این "قیامت اول" است. قیامت بعدی در پایان آن هزار سال رخ خواهد داد؛ در آن زمان، بقیه مردگان زنده خواهند شد. ۶ خوشبخت و مقدسند آنانی که در این قیامت اول سهمی دارند. اینان از مرگ دوم هیچ هراسی ندارند، بلکه کاهنان خدا و مسیح بوده، با او هزار سال سلطنت خواهند کرد. (ترجمه تفسیری)

پس-هزاره باوران این عبارات را اینگونه تفسیر می کنند که قیامت اول اشاره به یک تحول روحانی یعنی تبدیل موت به حیات یا تولد تازه مسیحیان است، به همین دلیل در آیه شش آنها را خوشبخت می خواند. اما قیامت دوم مربوط به رستاخیز بدن است که شامل همه مردگان می شود.

نتیجه گیری

با توجه به تفسیر پس-هزاره باوران از عبارات کلیدی در مکاشفه ۲۰، نتیجه گیری آنان از این باب بدین صورت است که، اقلیت جفا دیده قرن اول یعنی مسیحیان، که مخاطبین کتاب مکاشفه یوحنا می باشند، باید تشویق و تقویت می شدند تا بتوانند آن زحمات را تحمل کنند. آنها باید درک می کردند و می فهمیدند که مرگ آنان بخاطر مشکلات جزئی و منطقه ای نیست، که در تاریخ محو می شوند، بلکه زندگی شان را برای هدفی که نتایج بسیار پر جلال و جاودانه دارد، وقف کرده اند. پس می بایست تا آخر، در ایمان مسیحی خود در زیر جفا و زحمات رومیان و یهودیان مقاومت کنند.

با این گفته به مطالعه بخش اول تحت عنوان دیدگاه پس-هزاره ای خاتمه می دیم و بررسی بخش دوم یعنی دیدگاه ناهزاره ای را آغاز می کنیم.

بخش دوم: دیدگاه ناهزاره ای

ناهزاره باوران آخرت شناسی را حاکمیت خدا در تاریخ نجات بخش بشر با تاکید بر بازگشت ثانوی عیسی مسیح می بینند. از این جهت تفسیر مکاشفه ۲۰ را نه بطور تحت الفظی بلکه بصورت نمادین با توجه به سایر بخش های کلام خدا در نظر می گیرند.

دیدگاه ناهزاره ای شباهت زیادی با دیدگاه پس هزاره ای دارد.

بعنوان مثال هر دو دیدگاه معتقدند که بازگشت ثانوی مسیح پس از حاکمیت هزارساله صورت می گیرد و شامل این پیامدهاست.

(۱) آفرینشی که بخاطر گناه زیر لعنت بود آزاد شده، بازسازی می گردد.

(۲) امید نجات پایان می پذیرد و دیگر فرصتی برای رهایی نخواهد بود.

(۳) برای همگان یک داوری نهایی خواهد بود.

(۴) یک رستاخیز بدنی برای برگزیدگان و گناهکاران خواهد بود.

(۵) مرگ برای همیشه از بین خواهد رفت.

با وجود این تشابهات، در اینجا برای معرفی دیدگاه ناهزاره ای، از تکرار جزئیات مشابه خودداری می کنیم و به چند اختلاف نظر این دیدگاه با دیدگاه پس-هزاره ای می پردازیم.

ناهزاره باوران معتقدند که حاکمیت هزارساله، با فرمانروایی مسیح، از تولد تا بازگشت ثانوی او می باشد. مسیحیانی که در این دوره می میرند، وضعیت میانی، یعنی پس از مرگ تا رستاخیز بدن را با مسیح فرمانروایی می کنند. بنابراین، اکنون عیسی مسیح در آسمان بر دست راست خدای پدر نشسته و همراه با مقدسین وفات یافته اش بر قلوب مسیحیان تا بازگشت ثانوی خود حاکمیت می کند.

در نتیجه، ناهزاره باوران به عصر طلایی و کامیابی ملکوت خدا بر زمین، پیش از بازگشت ثانوی مسیح معتقد نیستند. آنها بر این باورند که شرارت و بی ایمانی تا بازگشت ثانوی عیسی مسیح پیشرفت نموده کلیسای خداوند را تحت فشار قرار خواهد داد.

بعبارتی، کلیسا، موفق به شاگرد ساختن همه ملت های جهان نخواهد شد. همانطور که قبلاً هم اشاره شد این پیروزی در قلوب مسیحیان صورت خواهد پذیرفت. این، تفاوت چشمگیر بین دو دیدگاه ناهزاره و پس هزاره ای است.

ناهزاره باوران از کلام خدا در این رابطه چنین اشاره می کنند.

اول قرن تیان ۲۵:۱۵ سلطنت مسیح تا زمانی خواهد بود که همه دشمنان خود را نابود سازد. (ترجمه تفسیری)

افسسیان ۲۲:۱ خدا همه چیز را زیر پایهای مسیح قرار داد، و او را مقرر کرد تا رئیس و سرپرست کلیسا باشد. (ترجمه تفسیری)

پیروان ناهزاره ای، بر این باورند که نابودی اوشلیم در سال ۷۰ میلادی، سایه ای از یک رخداد جهانی در انتهای تاریخ می باشد. بنابراین، نبوت عیسی مسیح در رابطه با نابودی هیکل بر کوه زیتون، همچنین اشاره به وقایعی بود که می بایست در آخر زمان، قبل از بازگشت ثانوی اش در جهان واقع شود.

ناهزاره باوران می گویند که شخصیت دجال یا وحش اشاره به مجموعه ای از مخالفت ها یا دشمنی ها علیه ملکوت خداست. آنها در رابطه با این دشمنی ها می گویند، که تاریخ کلیسا تا به امروز همچنان شاهد وقایعی از این قبیل می باشد.

بعنوان مثال: جفای شدید بر کلیسا در ۳۰۰ سال اول برای از بین بردن ایمان مسیحی توسط روم، آموزه بدعت آمیز Arius در انکار الوهیت مسیح، آلودگی های کلیسای کاتولیک در دوران تاریک کلیسا (قرون وسطی)، خدا باوری برهانی (Deism) در قرن هفده و هجدهم (اعتقاد به خدا از روی استدلال و عقل)، فرضیه تکامل در قرن نوزدهم، نقد تاریخی متون اصلی کتاب مقدس (Higher/Historical Criticism)، نهضت طرفداران سقط جنین و بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی که امروزه به ایمان مسیحی و ملکوت خدا یورش برده اند.

ناهزاره باوران نتیجه می گیرند که همه این موارد، هویت وحش و یا دجال را تشکیل می دهند.

در رابطه با نشان وحش در مکاشفه ۱۶:۱۳-۱۸ چنین می خوانیم:

مکاشفه ۱۶:۱۳-۱۸ و همه را از کبیر و صغیر و دولتمند و فقیر و غلام و آزاد بر این وا می دارد که بر دست راست یا بر پیشانی خود نشانی گذارند. و اینکه هیچ کس خرید و فروش نتواند کرد، جز کسی که نشان، یعنی اسم یا عدد اسم وحش را داشته باشد. در اینجا حکمت است. پس هر که فهم دارد، عدد وحش را بشمارد، زیرا که عدد انسان است و عددش ششصد و شصت و شش است.

ناهزاره باورن معتقدند که مفهوم نشان وحش را باید در نور آیاتی چون مکاشفه باب ۷ و ۱:۱۴ درک نمود. بر این اساس چنین استدلال می کنند: همان گونه که بر اساس کلام خدا، ساکن شدن روح القدس در مسیحیان سمبل مالکیت و برگزیدگی آنان است، به همانطور، نشان وحش نیز سمبل اعمال کساناست که به حاکمیت شیطان وفادارند. دیدگاه ناهزاره ای همچنین شخصیت فاحشه بزرگ را به غیر مسیحیان نسبت می دهد.

ناهزاره باوران می گویند، اگر ندانیم که هدف خدا در تاریخ چیست نمی توانیم انتظار داشته باشیم که در شناخت و درک الهی رشد کنیم. عبارتی هر مسیحی باید بتواند یک دید کلی از کل کتاب مقدس مبنی بر اینکه چگونه خدا ایماندارانش را برای جلال نام پسرش بکار می گیرد، داشته باشد.

آقای Sam Storms که یکی از صاحب نظران معاصر در دیدگاه ناهزاره ای می باشد، هدف از مطالعه و کاربرد مبحث آخرت شناسی را در چهار مورد خلاصه می کند.

(۱) آخرت شناسی در این خلاصه شده است که بتوانیم درک کنیم خدا چگونه وقایع تاریخ را با هم در مسیح یکجا گرد می آورد.

افسسیان ۱:۱۰ قصد خدا این بود که وقتی زمان معین فرا برسد، همه ما را در هر جا که باشیم، چه در آسمان و چه بر زمین، با هم در مسیح گرد آورد تا همواره با خدا بسر ببریم. (ترجمه تفسیری)

(۲) آخرت شناسی ما را به توبه دعوت می کند. بطوریکه در آخرین آیات کتاب مکاشفه یوحنا ۱۷:۲۲ چنین میخوانیم.

مکاشفه ۱۷:۲۲ روح و عروس می گویند: «بیا!» هر شنونده ای باید بگوید: «بیا!» ای تشنگان بیابید، آب حیات را بپذیرید این بخششی است رایگان برای هر کس که طالب آن است. (ترجمه مؤده)

(۳) آخرت شناسی ما را به اطاعت از خدا و زندگی مقدس دعوت می کند.

اول یوحنا ۳: ۱-۳ ببینید خدای پدر چقدر ما را دوست می دارد که ما را «فرزندان» خود خوانده است، و همینطور نیز هستیم. اما مردم دنیا این مطلب را درک نمی کنند، زیرا خدا را آنطور که هست نمی شناسند. بلی عزیزان، ما اکنون حقیقتاً فرزندان خدا هستیم. گرچه هنوز نمی دانیم در آینده چگونه خواهیم بود، اما این را به یقین می دانیم که وقتی مسیح بازگردد، مانند او خواهیم شد، چون او را همانگونه که هست خواهیم دید. هر که به این حقیقت ایمان دارد، می کوشد تا پاک بماند، زیرا که مسیح نیز پاک است. (ترجمه تفسیری)

فیلیپیان ۲: ۲۰-۲۱ اما سر منزل اصلی ما آسمان است، که نجات دهنده ما، عیسی مسیح خداوند نیز در آنجاست؛ و ما چشم به راه او هستیم تا از آنجا بازگردد. او به هنگام بازگشت خود، این بدنهای فانی ما را دگرگون خواهد ساخت و به شکل بدن پر جلال خود در خواهد آورد. او با همان قدرتی که همه چیزها را تحت سلطه خود در خواهد آورد، ما را نیز دگرگون خواهد ساخت. (ترجمه تفسیری)

(۴) آخرت شناسی بما می گوید که خدا در نهایت پیروز است.

مکاشفه ۱۰: ۲۰ سپس شیطان که ایشان را فریب داده بود، به دریاچه آتش افکنده خواهد شد. دریاچه آتش همان جایی است که با گوگرد می سوزد و آن جاندار خبیث و پیامبر دروغین او شبانه روز، تا به ابد، در آنجا عذاب می کشند. (ترجمه تفسیری)

مکاشفه ۵: ۲۱-۷ سپس آن تخت نشین گفت: «اکنون من همه چیز را از نو می سازم.» و به من گفت: «این را بنویس زیرا این سخنان، راست است و می توان به آنها اعتماد کرد.» او به من گفت: «تمام شد، من الف و یا، اول و آخر هستم. این است امتیاز کسی که پیروز شود؛ من به تشنگان از آب چشمه حیات، رایگان خواهم بخشید. من خدای او خواهم بود و او فرزند من. (ترجمه مزده)

ناهاره باوران تاکید بر این دارند که کتاب مکاشفه به رهبران هفت کلیسایی که در آسیا تحت جفای شدید بودند نوشته شد تا باعث تشویق، تقویت و ایستادگی آنان در ایمان باشد و این نوید را بدهد که عیسی مسیح بزودی باز می گردد و آنها را پاداش خواهد داد.